



Iguanodon

The noisy night

Illustrated by Dan Taylor

ایگوانودون شب پر سرو صدا

سرشناسه: ویچ، کاترین Veitch, Catherine

عنوان و نام پدیدآور: ایگوانودون: شب پر سرو صدا / نویسندگان: کاترین ویچ، فرن برومیچ؛ [تصویرگر دن تیلور]
ترجمه: الناز اسماعیلی.

مشخصات نشر: تهران: خانه ی کاغذی، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۴۰ ص.: مصور (رنگی): ۱۷ × ۲۴ س.م.

فروست: ... سری کتاب های داستان های دایناسورها؛ ۵

شابک: ۵-۸۲-۵۶۶۶-۶۲۲-۹۷۸ شابک دوره: ۲-۸۳-۵۶۶۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا . یادداشت: زبان: انگلیسی - فارسی . یادداشت: عنوان اصلی: Iguanodon - The noisy night.

یادداشت: مخاطب: + ۹ نونهال. عنوان دیگر: شب پر سرو صدا. موضوع: دایناسورها -- داستان - Fiction -- Dinosaurs

خواب -- وقت -- داستان - Fiction -- Bedtime - سرو صدا -- داستان - Fiction -- Noise

شناسه افزوده: برومیچ، فران . شناسه افزوده: Bromage, Fran . شناسه افزوده: تیلور، دن، تصویرگر

شناسه افزوده: (Taylor, Dan (illustrator

شناسه افزوده: اسماعیلی، الناز، ۱۳۶۲، مترجم

رده بندی دیویی: ۵۶۷/۹ دا . شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۲۱۷۷۷ . اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

Iguanodon



The noisy night

Say hello to the dinosaurs in this story!

Iguanodon

(say ig-WHA-noh-don)

(بگو: ایگ-وا-نو-دون)

Amargasaurus

(say ah-MAR-gā-SORE-us)

(بگو: آ-مار-گا-سور-اوس)

Also featuring: Liaoxiornis

(say lawh-si-OR-nis)

(بگو: لا-سی-اور-نیس)

Sauropelta

(say SORE-oh-pel-tah)

(بگو: سور-او-پل-تا)

Rebbachisaurus

(say re-bash-i-SORE-us)

(بگو: ر-باش-ای-سور-اوس)

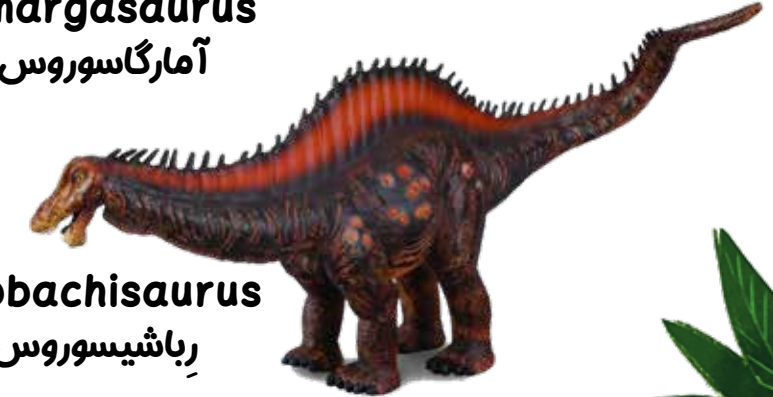
به دایناسورهای این داستان سلام کن!



Iguanodon
ایگوانودون

Amargasaurus

آمارگاسوروس



Rebbachisaurus

رباشیسوروس



Sauropelta

سوروپلتا



Liaoxiornis

لاسیورنیس

One stormy night, millions of years ago, an **Iguanodon** called **Isaac** could not sleep.

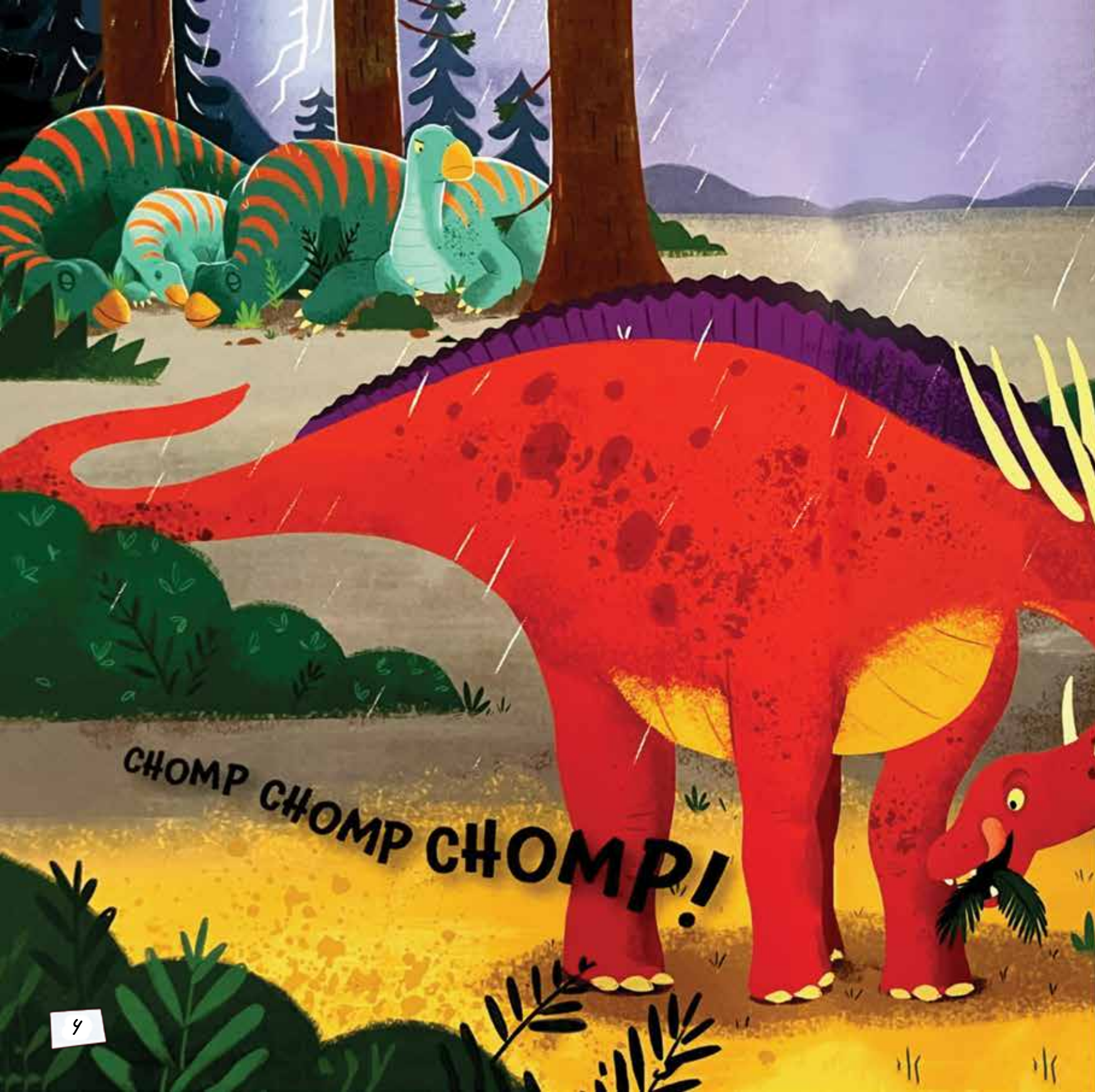
Thunder cracked, lightning fizzed and heavy rain hammered on to the rocks.

شبى طوفانى، ميليون ها سال پيش، يك اىگوانودون،
به نام ايزاک نمى توانست بخوابد.
رعد و برق آسمان را شکافت، صاعقه ها جرقه زدند و
باران سنگين با شدت روى سنگ ها کوييد.

His herd dozed peacefully, but it was too noisy for **Isaac**.

گله ی او، آرام و بی صدا چرت می زدند،
اما برای ایزاک خیلی پرسرو صدا بود.





At last, the storm quietened and **Isaac** was just dropping off to sleep, when he heard a strange sound.

He sat up, to see **Amos** the **Amargasaurus**. He was having a midnight snack!

بالآخره طوفان آرام گرفت و آیزاک داشت
به خواب می رفت که ناگهان صدای
عجیبی شنید. بلند شد و آموس، دایناسور
آمارگاسوروس را دید.
او داشت نیمه شب خوراکی می خورد!

